

عباسپور، عمران

مبانی تفسیر عرفانی از دیدگاه میبیدی

سال دفاع: [بی تا]

راهنما: محمدکاظم شاکر

مشاور: محمد فنایی اشکوری

چکیده

این رساله در سه بخش سامان یافته است. بخش اول، کلیات است که مؤلف در آن به تعریف و تبیین مسئله، بیان ضرورت تحقیق، طرح سؤالات اصلی و فرعی، و نیز تعریف واژه‌های تفسیر، تأویل، ظاهر و باطن، مبانی و انواع آن، پرداخته است. سؤال اصلی تحقیق این بوده که مبانی تفسیر عرفانی کدام است، چه نسبتی با مبانی تفسیر اجتهادی دارد و چگونه در تفاسیر عرفانی نقش‌آفرینی می‌کند؟ در پی آن، سؤال‌های فرعی از این قرار است:

۱. تفسیر عرفانی چیست؟
۲. آیا از دیدگاه میبیدی تفسیر عرفانی و اجتهادی مبانی مشترکی دارند؟ آن مبانی مشترک کدام است؟
۳. مبانی ویژه تفسیر عرفانی از دیدگاه میبیدی کدام است؟
۴. چگونه مبانی تفسیر عرفانی، در شکل‌گیری آرای تفسیر عرفانی میبیدی نقش‌بازی کرده است؟
۵. آیا تجارب عرفانی عارفان، از دیدگاه میبیدی حجیت دارد یا نه؟

بخش دوم، «مبیدی و تفسیرش» نام دارد که در آن، شرح زندگی و آثار مبیدی و هدف وی از نگارش تفسیر عرفانی آمده است. انواع تفسیر عرفانی از دیدگاه مبیدی و حجیت تفسیر عرفانی، از دیگر مباحث این بخش است.

بخش سوم رساله، به مبانی تفسیر عرفانی از منظر مبیدی اختصاص دارد که در آن، مبانی هستی‌شناختی، مبانی معرفت‌شناختی، و مبانی زمان‌شناختی بررسی و تحلیل شده است.

نگارنده نتیجه گرفته است که مبیدی برای دستیابی به معانی باطنی قرآن، به دسته‌ای از مبانی تکیه زده است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱. دارای مراتب بودن قرآن، عالم و انسان؛
۲. امکان فهم معانی باطنی قرآن؛
۳. عدم تنافی معانی باطنی با معنای ظاهری آیات؛
۴. مطابقت معانی باطنی با مجموع آیات؛
۵. عدم منافات معانی باطنی آیات با براهین عقلی؛
۶. روح و حد داشتن معانی طولی و وضع الفاظ برای آن روح معنا.